



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۲ بهمن ۱۳۹۹

مصادف با: ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۲

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- ادله لزوم حجاب زن - دلیل اول: آیات - آیه دوم: آیه ۵۹ احزاب - جمع بندی مطالب

آیه سوم: «ولاییدین زینتهن الا ما ظهر منها»

جلسه: ۷۴

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جمع بندی

یک جمع بندی نهایی از آیه ۵۹ سوره احزاب داشته باشیم و سپس وارد آیه بعدی یعنی بخشی از آیه ۳۱ سوره نور شویم. بعد از بیان معنای جلباب و معنای «یدنین علیهن» و حکمتی که برای این حکم گفته شده، می توانیم بگوییم آیه در واقع می خواهد بگوید زنان غیر از لباس های معمولی که در خانه می پوشند، یک پوششی نسبتاً بلند و گشاد که روی سر آنان را هم بپوشاند باید بیرون از خانه داشته باشند. البته لزوماً جلباب (که عبارت از چادر یا عبا می باشد) مقصود نیست؛ منظور پوششی است که این ویژگی ها را داشته باشد و اگر ما «یدنین علیهن» را به معنای یرخین گرفتیم، منظور افکندن و آویزان کردن و نه صرف نزدیک کردن است. حکمتی هم که برای این حکم ذکر شده این است که شناخته شوند و دیگران بدانند که اینها عقیفه هستند و از معرضیت برای طمع دیگران و آزار و اذیت دیگران خارج شوند. یعنی در واقع یک تکلیفی است از نظر پوشش برای زن و حکمت آن هم همان است که در ذیل آیه گفته شده است. لذا اگر بخواهیم قیاس کنیم این دستور را، مثل «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»^۱ است که به نحوی سخن نگویند که موجب طمع بیمار دلان شود. آنجا عفاف در سخن گفتن است و اینجا عفاف در رفت و آمد و در کوچه و خیابان.

پس این امر وجوبی مولوی است؛ آنچه هم در ذیلش ذکر شده حکمت این حکم است. پوششی هم که اینجا از زنان خواسته شده در واقع پوششی است که ویژگی های چندگانه ای که ما گفتیم باید داشته باشد. لذا جلباب هم موضوعیت ندارد، بدین معنا که حتماً باید چادر یا عبا باشد؛ هر چیزی که بلند باشد، نسبتاً گشاد باشد، اینکه می گوییم گشاد منظور خیلی گشاد نیست، مثل پیراهن که می پوشند درست است که به تنهایی بدن را می پوشاند ولی این برای بیرون مناسب نیست؛ بیرون باید روی آن لباسی که در منزل با آن رفت و آمد می کنند، روی آن یک چیزی بپوشند؛ معنای گشاد بودن این است. البته سر هم باید پوشیده باشد. حالا این لازم نیست یک تکه باشد؛ اگر فرضاً یک مقنعه یا روسری بزرگ باشد که سر و صورت و سینه را بپوشاند و زیر آن یک مانتویی باشد که مجموع اینها این ویژگی هایی که در جلباب وجود دارد حاصل کند و تأمین کند، این کافی است.

لذا آیه دلالت بر لزوم پوشش و ستر زن می کند و آنطور که برخی مثل صاحب اسداء الرغاب گفته اند که از این آیه لزوم پوشش صورت و دست ها استفاده می شود، این صحیح نیست. اینکه بگوییم آیه فقط دارد امر به پوشیدن یک روسری بزرگ می کند و کاری به بقیه ندارد، این هم با توجه به حکمتی که مخصوصاً در ذیل آیه ذکر شده، قابل قبول نیست. فرض هم این است که آیه

۱. سوره احزاب، آیه ۳۲.

نمی‌خواهد بگوید فقط شما یک چیزی سرتان بیندازید که از اماء تمیز داده شوید؛ چون گفتیم این مقصود نیست؛ غرض در اینجا تمیز عقیفه از غیر عقیفه است. می‌خواهد بگوید با یک هیأتی بیرون بیاید که نسبت به شما طمع نباشد. خیلی فرق می‌کند اگر زن با یک ظاهری بیرون بیاید که این ظاهر برانگیزانندی و محرکیت بیشتری داشته باشد یا اینکه این به حداقل برسد؛ اینها بالاخره در توجه دیگران، در تعرض دیگران، ایداء و اذیت دیگران؛ به‌هرحال تأثیر دارد.

لذا به نظر ما مجموعاً این آیه چنین معنایی دارد. اینکه مثلاً براساس برخی از فقراتی که ذکر کردیم، مثلاً اینکه «یدنین علیهن» به معنای یقربن و نزدیک کردن است، بخواهیم بگوییم این فقط می‌گوید یک روسری بزرگی روی سرتان بیندازید و نزدیک کنید جلاباب را و جلاباب هم به معنای آن روسری بزرگ است، این روسری‌ها باز نباشد و این روسری‌ها را به هم نزدیک کنید و ببندید که سر و گردن و سینه پوشیده بماند، این را عرض کردم مخصوصاً با آن حکمتی که در آیه گفته خیلی سازگار نیست؛ مرحوم شهید مطهری می‌فرماید آیه کاری به کیفیت پوشش ندارد. ایشان می‌گوید کیفیت پوشش زن فقط از آیه ۳۱ سوره نور استفاده می‌شود؛ منتهی آنجا کیفیت پوشش را خداوند متعال فرموده؛ اینجا در واقع می‌گوید برای اینکه از شر آزار مزاحمان در امان باشید، آن دستور قبلی را کاملاً رعایت کنید. ایشان در واقع نظرشان این است که اصلاً در این آیه حدود پوشش بیان نشده است؛ می‌گوید شما برای اینکه از شر مزاحمان و ایداء و اذیت مزاحمان در امان باشد، حتماً آن دستور قبلی را رعایت کنید.^۲ واقع مطلب این است که با توجه به آنچه که تا اینجا گفتیم، این حرف تمام نیست. سخن شهید مطهری نسبت به ذیل آیه و اینکه این حکمت است و اینکه این آیه برای این نازل شده که به اینها بفهماند برای جلوگیری از ایداء دیگران، خودتان را به عنوان زنان عقیفه به آنها بشناسانید و به عنوان عقیف شناخته شوید و کاری به اماء و تمیز اماء از حرائر ندارد، درست است؛ ولی اینکه جلاباب را به معنای روسری بزرگ گرفته‌اند، این به نظر می‌رسد صحیح نیست و اینکه «یدنین» را به معنای نزدیک کردن و یقربن گرفته‌اند، این هم تمام نیست.

سؤال:

استاد: ارخاء مهم است؛ ... انکار نمی‌کند ولی آن را به عنوان جزئی از معنای یدنین ندانسته‌اند. شهید مطهری می‌گوید از نظر لغوی به معنای نزدیک کردن است ولی اینجا به حسب مورد، «یدنین علیهن» یعنی یک پوشش اینطوری داشته باشند. عرض ما این است که اصلاً کاری به مورد نداریم؛ «یدنین علیهن» معنایش این است ولو این مورد هم نباشد. از این جهت عرض کردم که سخن ایشان محل اشکال است و الا مجموع مطالبی که ایشان فرموده‌اند، اجمالاً مورد قبول است اما اینکه جلاباب را در خصوص روسری بزرگ قرار داده‌اند، این قابل قبول نیست. جلاباب یک پوشش نسبتاً سراسری بلند است؛ عرض کردم که خود جلاباب هم موضوعیت ندارد. اگر بگوییم جلاباب موضوعیت دارد معنایش آن است که اگر کسی چادر سرش نکند، مثل لباس‌هایی که زنان در بعضی از مناطق می‌پوشند؛ پیراهن‌های بلند و روسری‌های بزرگی که روی سرشان می‌اندازند؛ وقتی که از دور نگاه می‌کنید نه تنها هیچ کمبودی نسبت به چادر ندارد بلکه پوشیده‌تر از چادر هم هست؛ چون چادر گاهی باز می‌شود ولی اینها جلو بسته است. اگر این باشد، باید بگوییم اینها اشکال دارد. اگر گفتیم جلاباب موضوعیت دارد - چنانچه برخی گفته‌اند - و اگر بگوییم چادر موضوعیت دارد - چنانچه برخی گفته‌اند - معنایش آن است که اگر کسی غیر از جلاباب و چادر

۲. مجموعه آثار، مسأله حجاب، ج ۱۹، ص ۵۰۵.

بیوشید، اینها اشکال دارد. حال آنکه قطعاً اینطور نیست. ممکن است آنها بگویند به حسب این آیه این چنین است، حالا ادله دیگر لزوم این را برداشته‌اند.

لذا مجموعاً می‌توانیم این آیه را از مستندات لزوم حجاب و پوشش قرار دهیم، با این بیانی که عرض شد. نه از این آیه می‌توانیم لزوم پوشش دست و صورت را استفاده کنیم، کما ذهب الیه صاحب اسداء الرغاب؛ نه بگوییم مثلاً این آیه اساساً کاری به پوشش ندارد و فقط می‌خواهد بگوید برای اینکه از کنیزها جدا شوید و تمیز داده شوید و دیگران شما را اذیت نکنند، چنین کاری کنید، که اگر مخصوصاً کسی این را علت قرار دهد برای پیشگیری از ایذاء و اذیت، آن وقت معنایش آن است که اگر جایی این تمایز و شناخت به طریق دیگری حاصل شد و اذیت و آزاری در کار نبود، این هم لزوم ندارد؛ اگر این را علت قرار دهیم مخصوصاً با آن معنا این نتیجه‌اش این می‌شود. ممکن است بگویند بله نتیجه‌اش این می‌شود؛ لذا این آیه جزء آیات حجاب نیست. ولی به نظر ما این آیه دلالت بر لزوم پوشش دارد.

آیه سوم: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

مقدمه

آیه بعدی، آیه ۳۱ سوره نور است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...».

دو سه فقره از این آیه قابلیت بررسی و بحث را دارد. یکی «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»؛ بعد در ادامه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»؛ «وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»؛ بعد در ذیل آیه این را هم دارد که «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ». اینها هر کدام این قابلیت را دارند که مورد بررسی و استدلال قرار گیرند؛ لذا بعضی‌ها به اینها استدلال کرده‌اند. این چند فقره هر چند با هم مرتبط هستند، اما باید ببینیم هر کدام از اینها به تنهایی دلالت بر لزوم پوشش و حجاب می‌کنند یا نه. بعد ببینیم که آیا اینها ارتباط با یکدیگر دارند؟ آیا اینها تأکید همدیگر محسوب می‌شوند یا هر کدام یک دستور جداگانه‌ای می‌دهند؟ این بحث‌ها را کمی مبسوط‌تر بررسی می‌کنیم بیشتر برای این جهت است که می‌گویند در قرآن راجع به حجاب چیزی نیامده است؛ تا چیزی می‌شود بعضی‌ها می‌گویند در قرآن راجع به لزوم حجاب چیزی نیامده و مثلاً در روایات آمده است. برخی که آدم‌های کم اطلاع و بی‌اطلاعی هستند این مسائل را مطرح می‌کنند. حالا می‌خواهیم ببینیم در قرآن آمده یا نه؛ اینها بحث‌هایی است که مفسرین و فقها مطرح کرده‌اند.

اما قسمت اول آیه: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». خود همین آیه را تا کنون در دو جا بحث کرده‌ایم؛ یکی در بحث حرمة النظر الی الاجنبیة؛ یک بخشی از مباحث مربوط به آیه را آنجا مطرح کردیم که آیا از این آیه می‌توان استفاده کرد حرمت نظر به زن نامحرم را یا نه؟ آن چیزی که آنجا مطرح کردیم در مورد مستثنی منه بود و با استثنا خیلی کاری نداشتیم. بحث در این بود که آیا نظر به زن اجنبیه حرام است یا جایز. ولی از این آیه مبتنیاً بر یک مقدمه برخی استفاده کرده‌اند و حرمت نظر را خواسته‌اند اثبات کنند و آن اینکه این آیه دلالت می‌کند بر لزوم ستر و از آنجا که لزوم ستر ملازمه دارد با عدم جواز نظر، آنگاه نتیجه می‌گرفتند عدم جواز النظر الی المرأة الاجنبیة را. ما آنجا اگر از این آیه بحث کردیم برای این بود که استدلال به این آیه برای حرمت نظر به اجنبیه مبتنی بر دو رکن بود؛ رکن اول مسأله لزوم ستر است که بالاخره این آیه دارد می‌گوید یک جاهایی باید پوشانده شود. این کیفیت دلالت این قسمت از آیه بر لزوم ستر زن مورد اختلاف است؛ به چند تقریب این را ذکر کرده‌اند

که حالا عرض خواهیم کرد؛ البته این یک مرور است، چون قبلاً اینها را گفته‌ایم. بعد از فراغ از این جهت، آن وقت رکن دوم استدلال مطرح شد که حالا که پوشش و ستر اینها لازم است، پس نظر هم جایز نیست. این تقریباً روش و طریق استدلال به این آیه در آن موضوع اول بود. در موضوع دوم هم بحث استثناء وجه و کفین عن حرمة النظر بود. آنجا بحث در این بود که آیا از حرمت نظر به زن اجنبیه، نظر به وجه و کفین استثناء شده یا نشده. آنجا یک مرحله دیگر راجع به این آیه بحث کردیم؛ چون در اینکه «الا ما ظهر منها» شامل وجه و کفین می‌شود، گفتیم می‌شود ولی تقریب استدلال به این آیه برای استثناء وجه و کفین از حرمت نظر هم از همان طریق انجام شد. یعنی باز مسأله ستر مطرح شد؛ آیا اصلاً از این آیه می‌فهمیم که وجه و کفین از ستر و سپس حرمت نظر استثناء شده‌اند یا نه؟ همان‌جا ملاحظه فرمودید که مثلاً برخی مثل صاحب اسداء الرغاب می‌گفتند اتفاقاً این آیه دلالت می‌کند بر لزوم ستر وجه و کفین؛ که اینها را مطرح کردیم. کسانی که قائل به عدم جواز نظر به وجه و کفین بودند دو دسته بودند؛ یک دسته معتقد بودند به طور کلی وجه و کفین هم باید پوشانده شود؛ یک عده معتقد بودند وجه و کفین لازم نیست پوشانده شود اما در عین حال نظر به آنها حرام است؛ مثل مرحوم آقای خویی که وجه و کفین را با اینکه می‌گویند پوشاندن آن واجب نیست، اما نظر به آن هم حرام است. فرض ما این است که نظر، نظر عن غیر شهوة و نظر غیر استقلالی باشد.

پس یک مرحله به این آیه در آن بحث تمسک کردیم. مثلاً در مورد قدمین این بحث مطرح شد که آیا «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» شامل قدمین هم می‌شود یا نه. یعنی تا به حال چندین بار این آیه را مورد بحث قرار دادیم از زوایای گوناگون که من یک اشاره‌ای به این زوایا کردم. آنچه که اینجا الان مورد نظر است، این است که این آیه دلالت بر لزوم ستر و پوشش زن می‌کند یا نه.

سه تقریب در مورد آیه

اینجا چند تقریب مطرح شده است. من یک اشاره اجمالی به این تقاریب می‌کنم؛ مرحوم آقای خویی هم یک بیان مفصلی در اینجا دارند که قبلاً هم یک قسمت‌هایی را عرض کردیم. به طور کلی سه تقریب در مورد زینت وجود دارد. چون «لایبیدین» معنایش معلوم است؛ یعنی آشکار نکنید، ظاهر نکنید. «الا ما ظهر منها من الزینة» هم که معلوم است. عمده در مورد زینت اختلاف است و این است که منشأ این تفاوت و اختلاف دیدگاه شده است.

تقریب اول

قول اول این است که منظور از زینت در این آیه، موضع الزینة است. «لایبیدین زینتهن» یعنی لایبیدین مواضع زینتهن. اینجا در واقع یا از باب ذکر حال و اراده محل است که این می‌شود مجاز؛ یا از باب حذف مضاف و تقدیر. بالاخره «لایبیدین زینتهن» اگر به معنای لایبیدین مواضع زینتهن باشد، در این صورت یا باید مرتکب مجاز شویم یا حذف و تقدیر؛ بر این اساس آیه نهی می‌کند از آشکار کردن مواضع زینت. البته یک استثناء هم دارد، «الا ما ظهر منها».

تقریب دوم

قول دوم این است که منظور از «لایبیدین زینتهن» یعنی لایبیدین خود زینت‌ها را، یعنی زیورات را. طبق این احتمال، منظور از زینت، ما تتزین به المرأة است؛ آنچه که زن به وسیله آن خودش را زینت می‌کند. آنچه که زن به وسیله آن خودش را زینت می‌کند، طبیعتاً هم زینت‌های باطنی را دربرمی‌گیرد و هم زینت‌های ظاهری را. بعضی از زینت‌ها ظاهری هستند؛ مثلاً انگشتر که در دست قرار می‌گیرد، این زینت ظاهر است. بعضی از زینت‌ها باطنی هستند، مثل بازوبند یا گردنبند یا آنچه که بر روی

شکم می‌بندند؛ اینها زینت‌های باطنی است. بالاخره زینت اعم از زینت ظاهر و باطن است و مراد از آن ما تتزین به المرأة است.

تقریب سوم

احتمال دیگر اینکه منظور از زینت یعنی زینت خلقی و طبیعی (یا اعم از زینت مصنوعی و طبیعی)، نه قسمت‌هایی از بدن که طبق احتمال اول اراده شد، و نه زینت‌های مصنوعیِ ظاهری که طبق احتمال دوم گفته شد. زینت یعنی زینت خلقی و منظور از زینت خلقی و طبیعی یعنی خود زن. اصلاً گفته‌اند «لایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها» یعنی زنان خودشان را آشکار نکنند. البته این بحث مفصلی دارد.

هر یک از این سه احتمال اتفاقاً در روایات برای آنها می‌توانیم شاهد ذکر کنیم؛ یعنی این اقوال سه‌گانه روایت هم برای هر کدامش داریم. آن وقت تجمیع اینها و جمع‌بندی و استفاده درست از اینها دقت را طلب می‌کند. مثلاً روایاتی داریم که احتمال سوم را تقویت می‌کند و این اتفاقاً مورد استناد قائلینش هم قرار گرفته است؛ مثلاً «النساء عی و عورة». در ذیل همین آیه که گفته شده «لایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها» از امام (ع) سؤال شده و امام (ع) فرموده‌اند «الخاتم و المسکة» دستبند و بعضی از زینت‌های ظاهری را گفته‌اند. در بعضی از روایات، زینت‌های باطنی را گفته‌اند؛ خلخال یا بازوبند را گفته‌اند. در برخی از روایات هم خضاب و سرمه را گفته‌اند؛ یعنی زینت‌های طبیعی؛ زینت‌هایی که روی بدن قرار می‌گیرد و مصنوعی به معنای اینکه بر بدن آویزان شود نیست. در بعضی از روایات هم بعضی از اعضای بدن را ذکر کرده‌اند. ما قبلاً در بحث از این آیه به مناسبت این روایات را نوعاً ذکر کردیم و الان بخواهیم همه اینها را تکرار کنیم طولانی می‌شود. من فقط یک اشاره اجمالی می‌کنم. چون اصل بحث از این آیه باید در اینجا باشد که آیا دلالت بر وجوب پوشش و ستر زن می‌کند یا نه. اگر هم در سه موضع گذشته از این آیه بحث شده، عمدتاً برای این بوده که ببینیم آیا مسأله حرمت نظر از این استفاده می‌شود یا نه. یعنی مبنیاً علی لزوم پوشش زن، آن وقت بحث حرمة النظر الی الاجنبیة را خواسته‌اند استفاده کنند. و الا اصل بحث از پوشش و ستر زن و دلالت این آیه بر آن در اینجا است. این سه قول برای این آیه گفته شده است. آیا همه اینها دلالت بر لزوم ستر می‌کنند یا برخی از اینها و اینکه کدام یک درست است و نظر ما چه بوده، اینها مطالبی است که در ادامه مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»